

تعطیلی بخشی از دولت آمریکا قطعی شد

با به توافق نرسیدن دموکرات ها و جمهوری خواهان در سنا بر سر منابع مالی مورد نظر دونالد ترامپ برای احداث دیوار مرزی با مکزیک، بخشی از دولت آمریکا به خاطر تصویب نشدن قانون بودجه از نیمه شب جمعه تعطیل خواهد شد. این تعطیلی در برگیرنده بخش های غیرضروری یک چهارم وزارت خانه ها و سازمان های دولت فدرال مانند وزارت خانه های مسکن، وزارت امنیت داخلی، کشاورزی، امور خارجه و دادگستری خواهد بود که شامل ۸۰۰ هزار نفر از کارمندان دولت است. دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا گفته بود اگر دموکرات های سنا با احداث دیوار مرزی با مکزیک موافقت نکنند و قانون بودجه به تصویب نرسد، برای تعطیلی طولانی مدت دولت آماده گی دارد. آقای ترامپ در سخنانی در کاخ سفید گفت: "امیدوارم این طور نشود ولی ما کاملن برای یک تعطیلی طولانی مدت آمادگی داریم".

آقای ترامپ خواهان اختصاص پنج میلیارد و هفتصد میلیون دلار برای احداث دیوار مرزی برای مقابله با ورود مهاجران غیرقانونی از مکزیک است ولی دموکرات های کنگره این کار را بی حاصل و حیف و میل بودجه می دانند. مجلس نمایندگان آمریکا جمعه به طرح بودجه مورد نظر ترامپ با ۲۱۷ رای مثبت در برابر ۱۸۵ رای منفی رای داد اما جمهوری خواهان از آرای کافی برای تصویب این طرح در مجلس سنا برخوردار نیستند. بر اساس آیین نامه سنا، تصویب این طرح در این مجلس ۱۰۰ نفری به ۶۰ رای نیاز دارد ولی جمهوری خواهان تنها ۵۱ کرسی در اختیار دارند. رایزنی جمهوری خواهان و دموکرات های سنا بر سر قانون بودجه از شنبه ادامه خواهد یافت. پیش از این نیز بخش های از دولت آمریکا دو بار در ابتدای سال ۲۰۱۸ به خاطر اختلاف بر سر بودجه تعطیل شده بودند.

شماره ۲۰۹ | سال پنجم، یکشنبه، ۲ جدی، ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۸



آلودگی هوای کابل؛ معضلی که باید جدی گرفته شود



کج اسحاق علی احساس

دولت تا اکنون نسبت به این معضل با بی توجهی برخورد کرده و مردم نیز به پیامدهای مرگبار استفاده بی رویه شان از مواد سوختی دودزا، فکر نکرده اند. به باور کارشناسان محیط زیست؛ فقر، ناآشنایی مردم با فرهنگ شهرنشینی، استفاده بی رویه از مواد سوختی مضر و دودزا، عدم توجه و نظارت حکومت و نبود قوانین زیست محیطی باعث شده است، معضل آلودگی هوای کابل از کنترل خارج شود.

۲

آغاز روند ثبت نام نامزدان انتخابات ریاست جمهوری

بر اساس تقویم تعیین شده از سوی کمیسیون انتخابات، روند ثبت نام نامزدان انتخابات ریاست جمهوری از دیروز (شنبه، ۱ جدی) آغاز می شود. نامزدان انتخابات ریاست جمهوری از دیروز (اول جدی) و برای دوازده روز مهلت دارند تا خود و معاونین شان را ثبت نام کنند. هر چند که تقویم انتخابات ریاست جمهوری چندین بار از سوی کمیسیون انتخابات تغییر کرد؛ اما در جریان ده روز گذشته تقویم جدید و نهایی این روند اعلام شد.

در این تقویم آمده است که نامزدان انتخابات ریاست جمهوری از ابتدای ماه جدی ۱۳۹۷ تا دوازدهم این ماه مهلت دارند تا برگه های ثبت نام را دریافت کرده و نشان های انتخاباتی شان را تعیین کنند. کمیسیون انتخابات نیز به تاریخ ۱۸ جدی فهرست ابتدایی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرده و به تاریخ ۲۶ دلو، فهرست نهایی را در اختیار مردم قرار می دهد. گمانه زنی ها و تلاش های فراوان نیز برای تشکیل تکت های انتخاباتی بین نامزدان و گروه های سیاسی وجود دارد و از بین نامزدان مطرح نیز تا حال محمد اشرف غنی، محمد حنیف اتمر و احمد ولی مسعود به صورت رسمی نامزدی شان برای انتخابات را اعلام کرده اند.

سنا تور جمهوری خواه: خروج نیروهای امریکایی افغانستان را «متلاشی» خواهد کرد

به دنبال تصمیم دونالد ترامپ، رییس جمهور ایالات متحده آمریکا برای خارج کردن نیروهای امریکایی از افغانستان، سنا تور لیندسی گراهام، یکی از چهره های پرنفوذ حزب جمهوری خواه آمریکا گفته است که تصمیم کاهش قدرت نظامی امریکا در افغانستان این کشور را «متلاشی» خواهد کرد و حفظ منافع امریکا با «قربانی های بیشتر روبه رو خواهد شد». آقای گراهام هم چنان گفته است که تصمیم خروج نظامیان امریکایی از افغانستان، منافع و امنیت امریکا را با خطر روبه رو می کند. او افزوده است: «فکر نمی کنم که کسی جرأت کند و بگوید که این گروه در افغانستان شکست خورده است». سنا تور گراهام علاوه کرده است که گروه داعش در افغانستان نسبت به سال گذشته قدرتمندتر شده و این گروه برای حمله به داخل امریکا برنامه دارد. این سنا تور امریکایی خواستار نشست فوری سنا آمریکا درباره تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر خروج بخشی از نظامیان این کشور از افغانستان شده و گفته است که در این نشست باید جیمز متیس، وزیر دفاع امریکا نیز حضور داشته باشد. این در حالی است که دونالد ترامپ به تازه گی دستور داده است تا نیمی از سربازان این کشور طی ماه های آینده از افغانستان خارج شوند.

هارون چخان سوری، سخن گوی ریاست جمهوری در صفحه ی رسمی فیس بوک خود نوشته است: «این که چند هزار نیروی خارجی که بیشتر در آموزش، مشوره دهی، همکاری تخنیک و جنگی با نیروهای افغان سهم دارند، از افغانستان خارج شوند، هیچ گونه تأثیری روی تأمین امنیت ندارد؛ زیرا در چهارونیم سال گذشته مسوولیت تأمین امنیت به گونه ی کامل در دست افغان ها بود».

جشن فارغ التحصیلی؛ سر آغاز دوره ی سرگردانی

روستایی



این روزها، در کابل و شهرهای دیگر کشور، جشن های پر زرق و برق زیادی به مناسبت فراغت از دانشگاه برگزار می شود. بسیاری از دانش جوانان در برنامه ها و جشن های فارغ التحصیلی سر پا نمی شناسند و بدون توجه به کیفیت آن چه آموخته اند، از گرفتن گواهی نامه و سند فراغت خوشحال اند. این در حالی است، که بسیاری از دانشگاه های کشور از ابتدایی ترین استانداردهای تحصیلی و اکادمیک برخوردار نیست و کتاب های که در این نهادها تدریس می شود، هرگز پاسخ گوی نیازهای امروزی نمی باشد. در این رابطه به چند نکته اشاره می کنم.

یک: تمامی مدیران حکومت وحدت ملی و در رأس آن محمد اشرف غنی، همواره از سیستم سازی حرف می زنند. در جریان برنامه ها و جشن های فارغ التحصیلی، اقدامات اصلاح گرایانه ی حکومت در حوزه ی مراکز تحصیلی به بررسی گرفته شود و از حکومت خواسته شود، قانون جدید وزارت تحصیلات عالی در زمینه ی تقاعد استادان کهن سال را به اجرا بگذارد. هم چنان، از حکومت خواسته شود، که به جای سهم بندی علم و دانش، بر پاسخ گو ساختن و بر بلند بردن کیفیت نهادهای تحصیلی کار کند و نظام تحصیلی را پویا بسازد.

صفحه ی ۳

آیا پروسه ی صلح از حقوق بشر قربانی می گیرد؟

امیر پناهیان



انتخاب گزینه ی مورد علاقه طالبان در رهبری و پیشبرد امور کلان کشور، نشان می دهد که این گروه در تلاش اند تا در ساختار قدرت و گفتمان کلی سیاست افغانستان اشرف داشته و هرگونه ندای مخالفت جویی در این مورد را محو نمایند. از سوی هم سیما سمر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طی مصاحبه ی مطبوعاتی به جوانب ذی دخل در پروسه ی صلح هشدار داده است که ارزش های حقوق بشری از قبیل؛ آزادی بیان و مطبوعات، حقوق زنان، حاکمیت قانون، تساوی حقوق شهروندی و برابری زن و مرد در برابر قانون، حاکمیت دموکراتیک و مبتنی بر اراده ی عمومی، فضای سالم گفت وگو برای تبادل افکار و اندیشه ها، آزادی عقیده و مذهب، حفظ حقوق اقلیت ها و...، باید در مذاکرات صلح نادیده انگاشته نشود.

صفحه ی ۳

گفت وگوهای صلح به رهبری آمریکا و گروه طالبان، بدون حضور دولت افغانستان در سطح منطقه و جهان ادامه دارد. گفته می شود، که در تازه ترین گفت وگوها میان زلمی خلیل زاد و نمایندگان طالبان، این گروه برای مذاکرات صلح با دولت افغانستان و شامل شدن در قدرت سیاسی، رهبری سیاسی نظام را مطالبه نموده و از نماینده ی آمریکا خواسته است؛ در صورتی پروسه ی صلح امکان عملی خواهد یافت که به خواست اصلی این گروه یعنی «تعیین رهبری نظام»، پاسخ مثبت داده شود. در اعلامیه ای که از سوی طالبان در دسترس رسانه ها قرار گرفته است، نیز بر این نکته تأکید شده که رییس دولت آینده ی افغانستان باید به خواست طالبان تعیین گردد.



گپ مردم

در امر مبارزه برای بقا از همین حالا

بسیج شویم

دو رسانه‌ی معتبر (وال‌استریت ژورنال و رویترز) به نقل از دو مقام امریکایی گزارش داده‌اند، که دولت ترمپ دستور بازگشت حدود ۷ هزار نظامی این کشور از افغانستان را در ماه‌های آینده صادر کرده است؛ دستوری که اگر به اجرا گذاشته شود، بدون شک برای آینده‌ی کشوری در حال منازعه‌ی مثل افغانستان خطرناک است. در شرایطی که جنگ افغانستان پیچیده به نظر می‌رسد و سرنوشت پروسه‌ی صلح مبهم و نامعلوم است؛ بیرون‌شدن نیمی از نیروهای امریکایی از کشور، پیامدهای جبران‌ناپذیری خواهد داشت.

واقعیت این است، که نیروهای مخالف دولت افغانستان از جمله طالبان، در میدان جنگ دست برتر را دارند. در جریان حاکمیت حکومت وحدت ملی، با گذشتن هر روز، مناطق تحت کنترل دولت کم‌تر شده و برعکس قلمرو حاکمیت شورشیان بیشتر شده است. این در حالی است، که از آغاز امسال، امریکا و کشورهای دخیل در منازعه‌ی افغانستان بر راه حل سیاسی جنگ این کشور تأکید می‌کنند. در سطح داخلی، رهبران حکومت، شورای عالی صلح و در آخرین مورد تعدادی از اعضای هیأت عالی مشورتی صلح، خواهان گفت‌ووی مستقیم و بی‌قید و شرط با گروه طالبان اند.

در آن سوی میدان جنگ، طالبان و گروه‌های شورشی دیگر در بسیاری از نبردها دست برتر داشته‌اند. این گروه‌ها نشان داده‌اند، که در سطوح سیاسی و نظامی از توانایی نظامی و دیپلماتیک زیادی برخوردارند. در جریان یک‌سال گذشته، هر باری که اشتیاق رهبری حکومت برای مصالحه با طالبان و شبکه‌ی حقانی فوران کرده است، این گروه‌ها اما با خشم و خشونت هرچه تمام‌تر به تلاش‌های آشتی‌جویانه‌ی حکومت پاسخ خونین داده‌اند. تجربه‌ی دو دوره آتش‌بس با طالبان و پس از آن موضع‌گیری‌های مدارجویانه‌ی حکومت و نیروهای حمایت قاطع با این گروه، هیچ دست‌آوردی جز ضعیف‌نشان‌دادن دولت و کشتار افراد ملکی به دست جنگ‌جویان طالبان نداشته است. با این اوصاف، در روزگاری که گروه‌های مخالف دولت، به ویژه طالبان از انزوا بیرون آمده و وضعیت از کنترل حکومت افغانستان خارج دیده می‌شود، بیرون‌شدن بخشی از قوای امریکایی از این کشور، یک چشم‌انداز تیره و تار نسبت به آینده‌ی صلح و ثبات افغانستان ترسیم می‌کند.

نکته‌ی دیگری که در این گیرودار حایز اهمیت است، توجه به نقش قدرت‌های منطقه‌ی دخیل در منازعه‌ی افغانستان است. پس از آن‌که حکومت ترمپ اعلام کرد، که امریکا برای پایان‌دادن جنگ افغانستان عجله دارد، بسیاری از کارشناسان و آگاهان امور از توافق این کشور با طالبان و قدرت‌های بیرونی حامی این گروه، هشدار دادند. یکی از جدی‌ترین نگرانی‌ها در بحث توافق امریکا با طالبان این بوده است، که مبادا در جریان گفت‌وگوها، دست‌آوردهای هفده‌ساله‌ی مردم افغانستان نادیده گرفته شود و دیدگاه‌های بنیادگرایانه‌ی طالبان و نگاه استفاده‌جویانه‌ی پاکستان در محور توافق امریکا و طالبان قرار گیرد. اکنون که طرح بیرون‌کردن نیمی از قوای امریکایی از افغانستان مطرح شده، این نگرانی‌ها چند برابر شده است. وضعیت به گونه‌ای است، که نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان ثبات لازم را ندارند و در سطح سیاسی هم باور و نگاه ملی به مسایل کم‌رنگ دیده می‌شود. با این حال، هرگاه نیروهای امریکایی از کشور خارج شود، هیچ تضمینی برای جلوگیری از سقوط در کام هرج و مرج وجود ندارد. در بسیاری از موارد عصبیت‌های قومی بر باورهای ملی می‌چربد و نیروهای ارتش که باید ملی باشند و ملی عمل کنند، سیاسی عمل کرده و در خدمت منافع مجموعه‌های خاص سیاسی قومی بوده‌اند. بنابراین مردم افغانستان از همین حالا باید کمر همت ببندند و برای روزهای دشوار آماده شوند. کم‌ترین غفلت نسبت به آینده، فاجعه‌بار خواهد بود.

آلودگی هوای کابل؛ معضلی که باید جدی گرفته شود

سوم: تأمین موادسوختی با کیفیت با قیمت مناسب:

به دلیل قیمت‌بودن مواد سوختی با کیفیت در بازار، بسیاری از خانواده‌ها مجبور اند، برای گرم‌نگهداشتن خانه‌های‌شان از مواد سوختی مضر و دودزا استفاده کنند. هم‌چنان، فیصدی بالای از مردم نمی‌توانند از انرژی برق، گاز و یا ذغال سنگ تصفیه‌شده استفاده کنند و مجبور اند، با استفاده از موادسوختی مضر و دودزا خانه‌های‌شان را گرم نگهدارند و روزگارشان را بگذرانند. حکومت با تأمین مواد سوختی با کیفیت به شکل ارزان، می‌تواند مردم را در استفاده از این مواد به جای مواد دودزا و مضر تشویق کند. تطبیق این طرح کار دشوار و پیچیده‌ی نیست. با تطبیق این طرح حکومت می‌تواند، از تخریب‌شدن محیط زیست جلوگیری کند و مانع آن شود که مردم با سوزاندن مواد سوختی مضر و دودزا هوای شهر را آلوده کنند.

چهارم: تبلیغ فرهنگ شهر نشینی:

بدون شک یک‌بخشی از مشکل آلودگی محیط زیست کابل، عدم رعایت فرهنگ شهری از سوی مردم است. بسیاری از خانواده‌ها به جای این که برای گرم‌نگهداشتن خانه‌های‌شان از مواد سوختی با کیفیت استفاده کنند، از مواد بی کیفیت استفاده می‌کنند. سوختاندن پلاستیک و مواد مضر دیگر، در تعداد زیادی از خانواده‌ها یک امر معمول است. در کنار این معضل، در استفاده از آب و برق بسیاری از خانواده‌ها صرفه‌جویی نمی‌کنند. هرگاه حکومت در همکاری با نهادهای حامی محیط زیست، برنامه‌های را به اجرا بگذارند، که سطح آگاهی مردم از فرهنگ شهرنشینی را بلند ببرد، بدون شک معضل آلودگی هوا و کم‌آبی تا اندازه‌ی تحت کنترل قرار می‌گیرد.

بنابراین به صرفه این است؛ قبل از این که معضل آلودگی محیط زیست کابل از کنترل خارج شود، حکومت و مردم با عملی‌کردن راهکارهای مناسب و فوری از آلودگی آب و هوای پایتخت جلوگیری کنند و نگذارند هوای کابل بیشتر از این‌ها آلوده شود و این سرزمین زیبا به ساحه‌ی غیر مسکونی تبدیل گردد.

بزرگ تولیدی است. در تعداد زیادی از شهرهای صنعتی کشورهای چون جاپان، چین، آلمان، امریکا، فرانسه، روسیه و دیگر کشورهای صنعتی، در کنار این که مسوولان به برنامه‌های اقتصادی شرکت‌های تولیدی و کارخانه‌ها اهمیت می‌دهند، به مسأله‌ی محیط زیست، آلودگی آب و هوا و تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت شرکت‌ها و کارخانه‌های تولیدی نیز توجه می‌کنند. در افغانستان و به ویژه در کابل، معضل آلودگی هوا فرق می‌کند. دلیل آلودگی محیط زیست کابل، فعالیت شرکت‌ها و کارخانه‌های تولیدی نیست، بلکه دلیل این آلودگی استفاده‌ی بی‌رویه‌ی مردم از مواد سوختی دودزا و غیر استاندارد است. در چنین یک وضعیتی، موثرترین راه برای کنترل آلودگی محیط زیست، طرح و تطبیق قوانین و مقررات محیط زیستی از سوی دولت است. حکومت در هماهنگی با اداره‌ی ملی محیط زیست، باید قوانینی را طرح و به مرحله‌ی اجرا بگذارد، که مانع استفاده‌ی مردم و شرکت‌ها از مواد سوختی مضر و دودزا شود. مضاف بر این، تطبیق قوانین و مقررات محیط زیست، زمینه‌ی بسیاری از آسیب‌های محیط زیستی را محدود می‌کند.

دوم: طرح و تطبیق سیستم شهری:

مشکل دیگری که باعث آلودگی محیط زیست کابل شده است، نبود یک نظام باکیفیت شهری است. تا هنوز با وصف آن که میلیاردها دالر برای بازسازی شهر کابل به مصرف رسیده، اما بسیاری از جاده‌ها و اماکن عمومی به صورت درست اسفالت نشده است. در کنار این معضل، جرهای سیل‌بُر و سیستم کانالیزاسیون در سطح شهر مشکل دارد و فضای سبز در تمامی بخش‌های شهر آسیب دیده است. در صورتی که یک سیستم شهری مدرن و خوب در شهر تطبیق شود، جاده‌ها اسفالت گردد و سیستم کانالیزاسیون تنظیم شود، سطح آلودگی هوا پایین می‌آید و گرد و غبار ناشی از خاکی‌بودن سرک‌ها کم می‌شود. برای تطبیق این کار به یک برنامه و پلان درازمدت نیاز است. حکومت باید طرحی را روی دست گیرد، که حد اقل در سال‌های آینده این معضل به صورت اساسی حل شود و گرد و غبار هوای شهر را آلوده نکند.

این روزها «کابل و کابلیان» بیشتر از هر زمان دیگر رنجور و بیمار دیده می‌شود؛ از یک سو زمستان از راه رسیده است و هوا رو به سردی می‌رود، از طرف دیگر غبار و آلودگی ناشی از سوختن ذغال سنگ، پلاستیک و مواد دودزای دیگر، نفس کشیدن را در این شهر سخت و سخت‌تر کرده. فیصدی بالای آب‌های زیرزمینی آلوده شده و رو به تمام‌شدن است. در بسیاری از جاها با آن که تراکم نفوس اندک است، به دلیل عدم رعایت فرهنگ شهرنشینی، محیط زیست آسیب دیده و انبار بی‌رویه‌ی کثافات و مواد مضر دیگر، هوا و فضای شهر را آلوده کرده است.

بسیاری از نهادهای حامی محیط زیست، با ابراز نگرانی از آلودگی هوای کابل، هشدار داده‌اند؛ در صورتی که اقدامات جدی برای جلوگیری از آلودگی آب و هوای این شهر صورت نگیرد و راهکارهای فوری برای کنترل این آلودگی به اجرا گذاشته نشود، در سال‌های آینده زمینه و امکان زندگی در شهر کابل سخت و دشوار خواهد شد. این در حالی است، که دولت تا اکنون نسبت به این معضل با بی‌توجهی برخورد کرده و مردم نیز به پیامدهای مرگ‌بار استفاده‌ی بی‌رویه‌ی‌شان از مواد سوختی دودزا، فکر نکرده‌اند. به باور کارشناسان محیط زیست؛ فقر، ناآشنایی مردم با فرهنگ شهرنشینی، استفاده‌ی بی‌رویه از مواد سوختی مضر و دودزا، عدم توجه و نظارت حکومت و نبود قوانین زیست محیطی باعث شده است، معضل آلودگی هوای کابل از کنترل خارج شود. به باور کارشناسان محیط زیست، به اجرا گذاشتن چهار راهکار زیر برای کنترل بحران آلودگی هوای شهر کابل حتمی و ضروری است.

یکم: طرح و تطبیق قوانین و مقررات

محیط زیستی: در بسیاری از شهرهای آلوده‌ی جهان، عامل اصلی آلودگی، صنعت و کارخانه‌های

مشکل دیگری که باعث آلودگی محیط زیست کابل شده است، نبود یک نظام باکیفیت شهری است. تا هنوز با وصف آن که

میلیاردها دالر برای بازسازی شهر کابل به مصرف رسیده، اما بسیاری از جاده‌ها و اماکن عمومی به صورت درست اسفالت نشده

است. در کنار این معضل، جرهای سیل‌بُر و سیستم کانالیزاسیون در سطح شهر مشکل دارد و فضای سبز در تمامی بخش‌های شهر

آسیب دیده است. در صورتی که یک سیستم شهری مدرن و خوب در شهر تطبیق شود، جاده‌ها اسفالت گردد و سیستم

کانالیزاسیون تنظیم شود، سطح آلودگی هوا پایین می‌آید و گرد و غبار ناشی از خاکی‌بودن سرک‌ها کم می‌شود. برای تطبیق این کار

به یک برنامه و پلان درازمدت نیاز است. حکومت باید طرحی را روی دست گیرد، که حد اقل در سال‌های آینده این معضل به

صورت اساسی حل شود و گرد و غبار هوای شهر را آلوده نکند.

آیا پروسه‌ی صلح از حقوق بشر قربانی...

به اعتقاد رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دست‌آورد‌های یک‌ونیم دهه حاکمیت قانون و هموارسازی مسیرهای دموکراتیک در افغانستان، برای مردم و شهروندان کشور هزینه‌های هنگفت مالی و انسانی در پی داشته و این دست‌آورد‌ها آسان به دست نیامده است. هم‌چنین او ضمن تأکید بر حفظ ثبات سیاسی به‌گونه‌ی ضمنی از حکومت افغانستان نیز انتقاد نموده و گفته است، که رهبری نظام در تعیین هیأت مشورتی صلح با این کمیسیون هیچ‌گونه گفت‌وگو و مشورتهای ناموده و در این هیأت از کمیسیون حقوق بشر نماینده‌ای وجود ندارد.

به باور خانم سمر، صلح زمانی امکان پذیر است که تمامی جوانب ذی‌دخل اعم از فعالین حقوق بشر و زنان، جامعه‌ی مدنی، تشکل‌های سیاسی_اجتماعی، جوانان و اقلشار مختلف تأثیرگذار در این روند، حضور داشته و نتیجه‌ی مذاکرات به صورت واضح و شفاف با مردم و شهروندان افغانستان در میان گذاشته شود. هم‌چنین او تأکید کرده که صلح به بهای از دست‌دادن ارزش‌های دموکراتیک و مردم‌سالار برای مردم افغانستان قابل قبول نبوده و هرگونه معامله‌ای برای بر پای‌ی نظام غیر مردمی برای مردم افغانستان غیر قابل تحمل می‌باشد. این گفته‌های رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در حالی با این شدت بیان می‌گردد که افغانستان سالانه یکی از بزرگ‌ترین مکان‌های جهان برای نقض ارزش‌های حقوق بشر و بی‌احترامی به نوع انسانی در سطوح مختلف می‌باشد. در تحقیقاتی که از سوی برخی نهادهای تحقیقاتی انجام شده است، افغانستان به لحاظ نقض موارد حقوق بشری جزء کشورهای قلم‌داد می‌شود که سالانه شاهد بیشترین تلفات ملکی، نظامی، تجاوزهای جنسی و آزار و اذیت‌های خیابانی می‌باشد.

با تمام این وجود اما نهادهای شدن برخی ارزش‌های حقوق بشری هرچند به صورت نمادین و نسبی، برای جامعه‌ی سنتی و به شدت درگیر عوارض تباری_فرهنگی مثل افغانستان، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ هویت‌های جامعه‌شناختی، دست‌آورد تلقی شده و نباید از

آن چشم‌پوشی شود. ارزش‌های از قبیل؛ آزادی بیان و مطبوعات - هرچند که سالانه افغانستان شاهد گواهِ رخدادهای خونین تروریستی و حمله بالای خبرنگاران می‌باشد، آزادی زنان و احترام به آن‌ها در سطح مناسبات اجتماعی_فرهنگی، تقسیم قوا بر اساس تئوری منتیسکو، وجود احزاب سیاسی و جریان‌های مختلف - هرچند به صورت نمادین و بدون برنامه، احترام به حقوق اقلیت‌ها به صورت شعارهای انتخاباتی، حاکمیت قانون به صورت نسبی و بدون در نظرداشت زمینه‌های تاریخی_سیاسی آن، این‌ها و موارد از این دست هرچند به صورت سمبولیک در مناسبات حوزه‌ی قدرت و گفتمان سیاست افغانستان حضور داشته با آن‌هم تمامی نیروهای سیاسی باید برای حفظ آن‌ها تلاش نماید.

از سوی هم برخی کارشناسان امور سیاسی، معتقد اند که اگر پروسه‌ی صلح به بهای از دست‌دادن ارزش‌های دموکراتیک و موازین حقوق بشر در کشور اجرا شود، این پروسه به هیچ‌وجه مورد تأیید نخبگان فکری_فرهنگی و جریان‌های مختلف سیاسی قرار نمی‌گیرد. به باور آن‌ها حکومت و جامعه‌ی جهانی به خصوص دولت آمریکا باید نسبت به وضعیت کنونی کشور و با در نظرداشت واقعیت‌های عینی در سیاست افغانستان، مسیرهای مطمئن برای صلح و گفت‌وگو با گروه طالبان را در سطح مناسبات منطقه‌ای و جهانی در نظر گرفته و از بحران‌های آتی در افغانستان جلوگیری نمایند. به باور این آگاهان کشورها و طرف‌های ذی‌دخل در گفت‌وگوهای صلح افغانستان باید با مشوره مردم و حکومت افغانستان نسبت به این گفت‌وگوها، وارد مذاکره شده و به گروه طالبان و برخی گروه‌های تروریستی دیگر فرصت ندهند تا زحمات یک‌ونیم دهه تلاش جامعه‌ی جهانی و قربانی‌های بزرگ انسانی در افغانستان را نادیده گرفته و کشور را به سوی بحران‌های پیچیده و خطرناک سوق دهند.

این نگرانی‌ها در حالی مطرح می‌شود، که هیأت مذاکره‌کننده طالبان از دیدار با جانب افغانی در ابوظبی امارات متحده عربی طفره رفته و حکومت افغانستان را نهاد با صلاحیت برای گفت‌وگو نمی‌دانند. هرچند این برخورد

طالبان واکنش‌های سنگین منطقه‌ای و جهانی در پی داشت؛ اما به نظر می‌رسد که آمریکا و حامیان بین‌المللی‌اش نسبت به پروسه‌ی صلح افغانستان جدی بوده و از هرگونه ظرفیت سیاسی برای کشاندن طالبان به میز گفت‌وگوها استفاده می‌کنند. افغانستان پس از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت جدید بر اساس پارادیم‌های مدرن و نیازمندی‌های کنونی، هرچند در بخش‌های امنیتی_اقتصادی مشکلات فراوانی داشته اما به لحاظ تمرین موازین دموکراتیک و ساختارمند نمودن قدرت بر اساس اراده‌ی همگانی تا حدی موفقیت داشته است.

به رغم چالش‌های سترگ و نبود سازوکارهای مناسب برای تقسیم قدرت بر اساس شایسته‌محوری و خرد همگانی، اما حکومت‌های پسا طالبان در افغانستان تلاش نمودند تا بسترهای فرهنگی و روسوبی‌ترین لایه‌های اجتماعی از نعمت دانائی و استفاده از ابزارهای مدرن امروزی، عقب نماند. هرچند حوزه‌ی فرهنگ و گفتمان‌های فرهنگی نیازمند تلاش‌های مستمر و همه جانبه بوده، با آن‌هم گام‌های نسبتن مؤثر برای این مهم برداشته شده و چشم‌انداز کلی از وضعیت فرهنگی در کشور ترسیم یافته است. هم‌چنین در سطح سیاسی، تربیه کادرهای متخصص و مقامات بلند پایه‌ی اداری_سیاسی نیز به‌گونه بهتری انجام یافته است، اما مشکلات در این زمینه هنوز به صورت اساسی حل نگردیده و فساد اداری سالانه در افغانستان غواغسا می‌کند. با تمام این وجود ظرفیت‌های سیاسی_فرهنگی افغانستان به صورت اجماع به این نتیجه دست یافته‌اند، که باید پروسه‌ی صلح با حفظ دست‌آورد‌های گذشته ادامه یابد. آن‌چه به صورت کلی از فضای کنونی بر اساس داده‌های ارائه شده قابل تحلیل و بررسی می‌باشد، این نکته است که گفتمان صلح بیشتر از هر گزینه‌ی دیگر حامیان حقوق بشر و نهادهای مدافع حقوق بشری را در افغانستان تحت‌الشعاع قرار داده است. با این حال آن‌چه مهم و قابل تأمل است، نگاه استراتژیک به سازوکارها و مناسبات قدرت می‌باشد، که طرف‌های دخیل در پروسه‌ی صلح باید آن‌را در نظر گرفته و تمامی قضاوت‌های شان را بر همین اساس استوار سازند.

جشن فارغ‌التحصیلی؛ سر آغاز دوره‌ی...

مکان‌های آموزش و پرورش نسبتن مطلوب به نظر می‌رسد. بر اساس گزارش رسانه‌ها، سالانه رقم بالای از جوانان این جامعه از دانشگاه‌ها فارغ می‌شوند. این وضعیت باعث شده است تا یک نگاه خوشبینانه نسبت به وضعیت نهادهای تحصیلی در افکار عمومی شکل بگیرد. توجه به کمیت به جای کیفیت در نهادهای تحصیلی کشور باعث شده است، تا دانشگاه‌های کشور به جای این که افراد متخصص و آشنا با مهارت و دانش روز را تربیه کنند، افراد غیر متخصص را تربیه می‌کنند. به همین دلیل پس از فراغت، بسیاری از دانش‌آموختگان جذب کار نمی‌شوند و مجبور اند با بی‌سرنوشتی دست و پنجه نرم کنند. بنابراین خوب است، در ایام فراغت و به بهانه‌ی فراغت از دانشگاه و نهادهای تحصیلی دیگر، برنامه‌های تدویر یابد که طی آن نظام تحصیلی کشور به نقد گرفته شود.

اما تا هنوز در هیچ موردی، پایان‌نامه‌های دانش‌جویان در امر بازتولید علم نقش نداشته است. در برنامه‌های زیر عنوان جشن فارغ‌التحصیلی به این پرسش پاسخ جسته شده، که چرا هیچ پایان‌نامه‌ای از ارزش علمی برخوردار نیست. پرداختن به این پرسش حقایق زیادی را آشکار می‌کند. حقایقی چون سخت‌گیری استادان به شکلیات به جای سخت‌گیری به متن و محتوا. همه می‌دانیم، که در دانشگاه‌های افغانستان، به جای این که به کیفیت تحقیق و کار یک دانش‌جو اهمیت داده شود، به شکلیات اهمیت داده می‌شود و به جای این که بر شیوه و روش تحقیق توجه شود، به تعداد اوراق و به کمیت یک تحقیق اهمیت داده می‌شود. به همین دلیل است، که هیچ تحقیقی با معیارهای علمی و آکادمیک صورت نمی‌گیرد و هیچ پایان‌نامه‌ی بر روند بازتولید علم موثر واقع نمی‌شود. سه: وضعیت عمومی نهادهای تحصیلی، به لحاظ کمیت

برگی از تاریخ

"شریعت" در صوبه سرحد و

اثرات آن بر افغانستان

"تلاش احزاب به اصطلاح بنیادگرایی پاکستان برای انفاذ احکام شریعت در ایالت صوبه سرحد که در ماه می منجر به تصویب قانونی در این زمینه توسط مجلس ایالتی گردید، در راستای اهداف استراتژیک پاکستان در قبال افغانستان صورت گرفته و دنباله‌ی عملکردهای گذشته‌ی پاکستان در منطقه است.

باید پذیرفت که پاکستان در به بازی گرفتن دین، شریعت و اسلام ید طولانی دارد. ایجاد پاکستان و جدایی آن از هند خود بر پایه و دلیل مذهبی صورت گرفت، اما از همان اول کار معمول بود که زیر نام مذهب و ایجاد کشور جداگانه برای مسلمانان، قسمتی از خاک هند را قطع کرده و همراه با سرزمین‌های که انگلیس از تن اصلی افغانستان جدا ساخته بود، پایگاهی برای ادامه‌ی سیاست‌های منطوقی استعمار درست کردند، دین صرف بهانه بود و خشت اول این دیوار را از همان اول معمار کهنه کار بر پایه منافقت و سو استفاده از دین به مقصد سیاسی کج نهاده بود. از همین رو است که اینک حتی پنجاه سال بعد از تشکیل این کشور هنوز هم دین وسیله‌ای است در دست‌های ناپاک دشمنان دین.

اخیرن به سلسله حقه‌بازی‌ها و مداری‌های سیاسی خویش، حکومت پاکستان توسط عمال تعلیمی و گوش به فرمان خود می‌خواهند حکومت طالبانی دیگری در صوبه سرحد تشکیل نمایند. هدف از روی‌کار آوردن گروه‌های مذهبی در صوبه سرحد و ظاهرن دادن اختیار مجلس ایالتی به آن‌ها، همانا مهار کردن شور و حرارت مذهبی است، که در سال‌های اخیر حکومت پاکستان در صوبه سرحد برای طرف‌داری از طالبان به وجود آورده بود تا صوبه سرحد پایگاه مطمئنی باشد برای طالبان در افغانستان برای پاکستان. این شور و هیجان مذهبی به شکست طالبان در افغانستان و همکاری جبری حکومت پاکستان با امریکا برای سرکوبی تروریزم، واپس به پاکستان سرازیر شده و در آن‌جا متراکم گردید. بنابر آن احتیاج به مقری دارد که از انفجار غیر قابل کنترل آن جلوگیری شود. در حقیقت احساسات طالبی و مذهبی‌ای را که حلقات سیاسی مذهبی پاکستان تحریک کرده بود، به مابین‌های می‌ماند که فتر انفجار آن کشیده شده و هر آن آماده انفجار است، این مابین‌ها باید در افغانستان منفجر می‌شدند، اما حالا دست قضا آن‌ها را واپس به دامن پاکستان افکنده است. یگانه چاره در شرایط حاضر برای پاکستان شاید همان باشد که با به میان آوردن حکومت مذهبی نوع طالبی و فرمایشی در صوبه سرحد به حل و تخفیف عقده‌های آماده انفجار بپردازد. این عقده‌ها زمانی شدت بیشتر کسب می‌کند که حکومت نظامی پاکستان چاره‌ای ندارد مگر این‌که در سرکوب القاعده و طالبان با امریکا همکاری نماید...

معلوم نیست تا به کی مداری‌های سیاسی پاکستان می‌توانند با آتش بازی‌کنند اما چنان‌چه دیده می‌شود تا کنون موفق بوده‌اند. از یک‌طرف با امریکا در راه مبارزه با تروریزم (تروریزمی که اکثرن خود مولد آن بوده‌اند) همکاری می‌کنند و از آن‌ها پول و امتیاز می‌گیرند، و از جانبی هم طالبان و طرف‌داران آن‌ها را در صوبه سرحد بر سر قدرت می‌آورند تا در آینده خلع سلاح نباشند...

با استفاده از همین فرصت، حکومت پاکستان توانست نفوذ خود را از طرف فعالین مذهبی‌ای که نواله خواران آی.اس.آی بودند در دورترین نقاط قبایلی و در عمق دره‌های افریدی، مهمند، خیبر، تیرا، آدم خیل تا بنو، چمن و کویته بگستراند و از آن‌ها در قدم اول برای حل مناطق قبایلی در حکومت پاکستان و در قدم دوم برای تطبیق اهداف استراتژیک خود در افغانستان سود ببرد. طالبان را در مدارس همین مناطق تربیه کند و روحیه طالبانی را در جوانان و نوجوانان صوبه سرحد و به خصوص مناطق قبایلی بدمد."

منبع: د ولس مل ژوند، سیاسی هلی حلی او خاطری، محمد حسن ولس مل، انتشارات جریده ملی افغان، ۱۳۸۹، صص ۱۲۵۵-۱۲۵۸

- تنها "گپ مردم" بازتاب دهنده‌ی موضع گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
 - "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند.
- اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس بوک: هفته نامه صدای مردم افغانستان
آدرس دفتر: کابل، کارته - ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول
عبدالخالق آزاد
شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸
سر دبیر
اسحق علی احساس
ایمیل: sadaaym@gmail.com
زیر نظر شورای نویسندگان

شماره‌ی ۲۰۹ سال پنجم، یک شنبه، ۲ جدی ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۸ میلادی

نقد اجتماعی

توهم توسعه

سخی خالد

می‌گویند رشد هزاره‌ها یک تصور خلسه‌آور نیست، واقعیتی است که نشانه‌هایی آن را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و آموزشی می‌توان درک، تشخیص و شناسایی کرد. هزاره‌ها به دلیل نامناسب بودن جغرافیای که از سنگ و صخره و کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی بی‌حاصل مملو است و برای چرخاندن مسیر زندگی کافی و بسنده نیست، به شهرها کوچیدند، و به دلیل احساس نیاز وارد مکتب و دانشگاه شدند. در بزرگ‌شهرها مکلفیت‌های شهروندی را تمرین کردند و رواداری و تساهل و گفت‌وگو را ترویج نمودند. آیا می‌شود این مسایل معمولی، جمع استفاده از رسانه‌ها (خصوصاً فیس‌بوک) را نماد توسعه یافتگی دانست؟ بلی، می‌شود. اما کافی نیست.

برای پیشرفت یک جامعه، معیارهای دیگری در نظر گرفته شده، که مهم‌ترین آن معیارهای اقتصادی است. این تصور که "رشد قوم هزاره یک توهم نیست" با قیاس وضعیت امروزی جامعه‌ی ما با آنچه در گذشته از آن عبور کرده‌ایم، ماحصل رضایت‌بخشی نخواهد داد. در گذشته، وضعیت انسان‌ها به صورت عموم آن‌چنان که امروز است، نبوده و هزاره‌ها نیز در مناطق ناهموار کوهستانی آن‌چنان که امروز به سهولت زندگی می‌کنند، آسوده نبوده‌اند. طبق معمول، هزاره‌ها باید با وضعیت ناپهنجار روزگارشان کنار می‌آمدند و احوال اقتصادی‌شان را به سامان می‌کردند.

اکنون که نسبت به گذشته، در شرایط بهتر قرار گرفته‌ایم، به این معنا نیست که توسعه یافته‌ایم. صرفن به دلیل دسترسی هزاره‌ها به آموزش و یا با رجعت به گذشته‌ی تلخ و وضعیت الهام‌بخش کنونی نمی‌شود "رشد/پیشرفت" را استنتاج کرد. رشد هزاره‌ها در عرصه‌های آموزشی، سیاسی و اقتصادی اگر یک توهم نیست، حتماً چیزی است فراتر از یک خیال‌پردازی ساده‌لوحانه. این بحث را با استفاده از تجربه‌های زندگی در پایتخت افغانستان می‌شود این گونه ادامه داد: در عرصه‌ی سیاسی، قدرت‌تأثیرگزاری هزاره‌ها ناچیز، بی‌اهمیت و صفر است؛ دو سال پیش، هزاره‌ها همه‌ی امکانات‌شان را به کار گرفتند، اما موفق نشدند که مسیر لین برق را به شکل عادلانه تغییر بدهند؛ همه‌ی آثانی که از آدرس هزاره‌ها در حکومت حضور دارند، به اندازه‌ی یک شینگ بولانی نیز در سیاست‌گذاری‌های عمومی تأثیر ندارند. در عرصه‌ی اقتصادی، نهاد/دست‌آورد قابل ملاحظه‌ی نداریم؛ درآمد سرانه‌ی هزاره‌ها، میزان امید به زندگی و بسیاری از مسایل دیگر به تناسب دگر اقوام اندک و بی‌ارزش است. در عرصه‌ی آموزش، صاحب دست‌آوردهای به شدت نمادین و کلیشه‌ای هستیم؛ تا این‌جای کار که فرصت‌های آموزشی را با اشتیاق بیشتر از دیگران دنبال کردیم، تردیدی نیست؛ اما دانشجویان ما این را در دانشگاه یاد نگرفتند که با چالش‌های زندگی پس از فراغت چگونه کنار بیایند. در مکتب و دانشگاه به دانشجویان آموزش داده می‌شود تا در نهادهای دولتی کارمند شوند. اما دانشجویان نیاموختند که چگونه کارمندان خوبی باشند و یا چگونه دشواری‌های زندگی آینده‌شان را برطرف کنند.

اگر در دانشگاه‌های پایتخت کشور تعداد دانشجویان هزاره بیشتر است، دلیل‌اش می‌تواند این باشد که در دایکندی و بامیان، دانشگاه‌های مجهز و مدرن همچون دانشگاه‌های قندهار و ننگرهار در دسترس مردم قرار ندارد.

مذاکرات صلح و سردرگمی حکومت وحدت ملی

محمد نسیم نظری

پس از معرفی شدن زلمی خلیل‌زاد، سیاست مدار با تجربه‌ی آمریکایی به عنوان نماینده ایالات متحده در امر استقرار صلح افغانستان از سوی کاخ سفید، گفت‌وگوها روی چگونگی مذاکره و پیشبرد استراتژی صلح با گروه طالبان، افزایش یافت. خلیل‌زاد با مأموریت جدیدش وارد کابل شد و پس از چانه‌زنی با برخی چهره‌های شاخص ملی و شبکه‌های پر نفوذ اجتماعی-سیاسی، سفرهای منطقه‌ای‌اش را برای آوردن صلح در افغانستان و شریک ساختن طالبان به عنوان نیروهای مخالف مسلح در گفتمان قدرت و سیاست کشور، آغاز نمود. خلیل‌زاد با سفر به مسکو، پاکستان، امارات متحده عربی، روی چگونگی گفت‌وگوها و کیفیت مذاکره با گروه طالبان، با شرکای منطقه‌ی افغانستان دیدار و گفت‌وگو نموده است. بر اساس برخی گزارش‌ها، خلیل‌زاد در آخرین سفر خود به امارات متحده عربی، از نزدیک با نمایندگان طالبان دیدار و گفت‌وگو نموده است. این همه در حالی انجام می‌شود که حکومت افغانستان به عنوان نهاد مستقل و حاکم بر کشور، در روند گفت‌وگوهای صلح حضور نداشته و اساساً از جزئیات این مذاکرات آگاهی ندارند.

هرچند رئیس‌جمهور غنی با تشکیل هیأت مذاکره‌کننده صلح با معرفی اشخاص پرنفوذ و چهره‌های شاخص، تلاش نمود در گفت‌وگوهای صلح سهم داشته باشد، اما به نظر می‌رسد که جانب آمریکا و طالبان، حکومت وحدت ملی را نهاد مقتدر برای گفت‌وگو صلح ندانسته و از دادن اطلاعات به این حکومت خود داری می‌کند. گفت‌وگوهای صلح افغانستان در حال با شدت و گستردگی تمام صورت می‌گیرد، که شورای عالی صلح به عنوان تنها نهاد با صلاحیت برای گفت‌وگوها، نیز در مذاکرات خلیل‌زاد و بازی آمریکا، امارت متحده عربی، پاکستان و روسیه حضور نداشته، بلکه در حاشیه این گفت‌وگوها قرار دارد. از جانی هم در آخرین مورد نمایندگان طالبان در دیدار جداگانه با خلیل‌زاد، از او خواسته است که این گروه حاضر است شش ماه آتش بس مشروط اعلان نماید و در این مدت آمریکا باید شخصی را که مورد تأیید این گروه می‌باشد، به عنوان رئیس دولت موقت تعیین نموده و از آن حمایت نماید. اما گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های جمعی از دیدارهای خلیل‌زاد با رهبران جهادی و سران سیاسی در کابل، نشان می‌دهد که خلیل‌زاد در گفت‌وگوهای صلح با طالبان تا هنوز نتوانسته است با این گروه به توافق نهایی برسد، هرچند او خوش‌بین به این گفت‌وگوها بوده و از دولت افغانستان خواستار همکاری در این زمینه می‌باشد، اما به نظر می‌رسد پیش شرط‌های گروه طالبان برای صلح زمینه گفت‌وگو با حکومت افغانستان را برای خلیل‌زاد دشوارتر ساخته است. به گونه‌ای که بعد از ملاقات خلیل‌زاد با رئیس‌جمهور و ریاست اجرائیه، پنج‌شنبه هفته گذشته حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور



اعلان نمود، که هیچ دولت یا سازمانی حق ندارد تا در مورد تعیین نظام آینده افغانستان به عنوان یک کشور مستقل بحث و گفت‌وگو نماید، بلکه باید تمامی گفت‌وگوها بین مردم افغانستان و در مشوره با آنان صورت گیرد. گفت‌وگوهای صلح در حالی از سوی ایالات متحده آمریکا و گروه طالبان با همکاری شرکای استراتژیک آمریکا در منطقه دنبال می‌شود که افغانستان در آستانه انتخابات سرنوشت ساز ریاست جمهوری قرار داشته و بر اساس تقویم اعلان شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، قرار است که نامزدان ریاست‌جمهوری از اول جدی سال روان تا دوازدهم این ماه برای ثبت نام در پروسه انتخابات و اعلان تکت‌های شان در کمیسیون انتخابات مراجعه کنند، اما حال و هوای سیاسی موجود در کشور بیان‌گر سردرگمی جریان‌های سیاسی، فعالین مدنی-اجتماعی و سایر قشرهای تأثیر گذار بر روند انتخابات می‌باشد. تعریف و توصیف فضای موجود میان نخبگان سیاسی و جریان‌های تأثیر گذار اجتماعی، نشان می‌دهد که تمامی نیروهای سیاسی کشور در خلا معلوماتی و بی‌خبری از اوضاع آینده سیاسی قرار دارند.

بی‌خبری از گفت‌وگوهای پیچیده صلح و گفتمان‌های برخاسته از انتخابات ریاست‌جمهوری، تحلیل دقیق و ارزیابی توأم با بینش تجربه‌گرائی و رئالیسم سیاسی، می‌تواند که متأسفانه در درون ساختارهای سیاسی موجود و میان نخبگان فکری-فرهنگی، چنین تلقی وجود نداشته، بلکه تمامی نیروهای سیاسی به دنبال کسب امتیازات اندک و کوتاه مدت بوده و به مسائل کلان ملی بی‌باورانند. به نظر می‌رسد تا زمانی که گفتمان مستحکم مبتنی بر خردگرائی و توجه به واقعیت‌های عینی سیاست افغانستان، در میان نخبگان سیاسی کشور ایجاد نگردد، توهم کسب قدرت برای فرصت‌های زمانی محدود، گره از کمبود معلومات و عدم حضور در متن گفتمان‌های پیچیده سیاسی کشور، نخواهد گشود. بلکه با گذشت هر روز از چنین نگاه غیر منطقی به سیاست، کشور بیشتر از پیش به سوی بحران‌های ناخواسته و بازی‌های پیچیده شبکه‌های استخباراتی درگیر خواهد شد. نخبگان فکری در حال حاضر وظیفه دارند تا با شناسایی سناریوهای تنش زار، برای توده عادی جامعه، فکر تولید نموده و به لحاظ تئوریک، گفتمان‌های ملی را به تحلیل و تجزیه بنشینند. از سوی هم نخبگان سیاسی به کمک شخصیت‌های فکری، مسیرهای مشترک منافع عمومی و منافع ملی را در هر سطحی با استفاده از تمامی امکانات و ابزارهای موجود، تقویت نموده و نگذارند تا بازی‌های مراجع استخباراتی و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای-بین‌المللی، افغانستان را تبدیل به حیاط خلوت بازی شطرنج شان نمایند.

از سوی هم برخی احزاب سیاسی و جریان‌های مدنی در واکنش به گفت‌وگوهای صلح معتقد اند که صلح نیاز مبرم افغانستان بوده اما چگونگی گفت‌وگو با گروه طالبان و نیز نحوه‌ی شامل ساختن این گروه در قدرت سیاسی باید با مردم نخبگان سیاسی، احزاب و جریان‌های مدنی و فعالین حقوق بشری، مشوره صورت گیرد. دور نگهداشتن مردم از پروسه صلح و گفت‌وگو با طالبان می‌تواند پیامدهای منفی برای این پروسه داشته باشد. به باور این احزاب مردم محور اصلی گفت‌وگوها بوده و باید روی چگونگی گفت‌وگوها با شهروندان افغانستان مشوره صورت گیرد. به نظر می‌رسد که پروسه صلح در مراحل حساس خویش نزدیک شده و گفتمان حاکم در کشور نیز به وضوح نشان می‌دهد که تمامی نیروهای سیاسی به صورت اجماع، طرفدار صلح بوده اما پیش شرط‌های نیز برای این گفت‌وگوها دارند. با این حال آنچه در این گفت‌وگوها ضروری پنداشته می‌شود این است که باید دستاوردهای یک‌ونیم دهه دموکراسی و حکومت قانون در کشور حفظ و از آن با تمام وجود حراست شود. از سوی هم طالبان باید با ضمانت این‌که دیگر به سنگرهای جهاد بر نمی‌گردند و علیه دولت افغانستان دست به اقدامات نظامی نمی‌برند، شامل پروسه قدرت شوند و در درون دولت افغانستان ادغام گردد. در غیر این صورت هرگونه گفت‌وگو بیرونی و بدون مشوره مردم افغانستان، هیچ دست‌آورد مثبت در پی نداشته بلکه بر شدت بحران‌ها در کشور می‌افزاید.

گفت‌وگوهای صلح در حالی از سوی ایالات متحده آمریکا و گروه طالبان با همکاری شرکای استراتژیک آمریکا در منطقه دنبال می‌شود که افغانستان در آستانه انتخابات سرنوشت ساز ریاست جمهوری قرار داشته و بر اساس تقویم اعلان شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، قرار است که نامزدان ریاست‌جمهوری از اول جدی سال روان تا دوازدهم این ماه برای ثبت نام در پروسه انتخابات و اعلان تکت‌های شان در کمیسیون انتخابات مراجعه کنند، اما حال و هوای سیاسی موجود در کشور بیان‌گر سردرگمی جریان‌های سیاسی، فعالین مدنی-اجتماعی و سایر قشرهای تأثیر گذار بر روند انتخابات می‌باشد. تعریف و توصیف فضای موجود میان نخبگان سیاسی و جریان‌های تأثیر گذار اجتماعی، نشان می‌دهد که تمامی نیروهای سیاسی کشور در خلا معلوماتی و بی‌خبری از اوضاع آینده سیاسی قرار دارند.

گفت‌وگوهای صلح در حالی از سوی ایالات متحده آمریکا و گروه طالبان با همکاری شرکای

استراتژیک آمریکا در منطقه دنبال می‌شود که افغانستان در آستانه انتخابات سرنوشت ساز

ریاست جمهوری قرار داشته و بر اساس تقویم اعلان شده از سوی کمیسیون مستقل

انتخابات، قرار است که نامزدان ریاست‌جمهوری از اول جدی سال روان تا دوازدهم این ماه

برای ثبت نام در پروسه انتخابات و اعلان تکت‌های شان در کمیسیون انتخابات مراجعه کنند،

اما حال و هوای سیاسی موجود در کشور بیان‌گر سردرگمی جریان‌های سیاسی، فعالین

مدنی-اجتماعی و سایر قشرهای تأثیر گذار بر روند انتخابات می‌باشد. تعریف و توصیف

فضای موجود میان نخبگان سیاسی و جریان‌های تأثیر گذار اجتماعی، نشان می‌دهد که

تمامی نیروهای سیاسی کشور در خلا معلوماتی و بی‌خبری از اوضاع آینده سیاسی قرار دارند.